بانکداری اسلامی؛
چالش‌های نظری ـ عملی و راهکارها

رضا اکبریان*
حمید رفیعی**

تاریخ دریافت: ۱۳۸٦/۷/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۸٦/۸/۲۰

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفتم / شماره ۲٦ / تابستان ۱۳۸٦

چکیده

ایده بانکداری اسلامی نخستین‌بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد و هم‌اکنون بیش از صد نوع بانک اسلامی وجود دارد. بانکداری اسلامی از ابتدای پیدایش تاکنون دستخوش تغییرها، مشکل‌ها و چالش‌های فراوانی بوده است. به‌ویژه تغییرهای اخیر جهان، فناوری اطلاعات (IT) و بحث‌های مربوط به سازمان تجارت جهانی (WTO)، بانک‌های اسلامی را در رقابت هرچه بیشتر با بانک‌های سنتی قرار داده است.

در مقاله، نخست به‌صورت موردی به بررسی مشکل‌ها و چالش‌های عملی مواجه با بانکداری اسلامی در چند کشور غربی و عربی که به‌وسیله اقتصاددانان اسلامی و منتقدان مطرح می‌شود و سپس ضمن طبقه‌بندی این مشکل‌های نظری و اجرایی در سطح‌های خرد و کلان، اثراها و نتیجه‌های اقتصادی ناشی از آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین راهکارهایی که در تحقیق‌های اسلامی به‌صورت پراکنده برای رفع برخی از این مشکل‌ها ارائه شده، ارزیابی می‌شود. با وجود تحول‌های

* عضو هیئت‌علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز. Email: rakbarian@rose.shirazu.ac.ir
** کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه شیراز.

کمی و کیفی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی صورت گرفته، با تجویز روش‌هایی چون عقدهای مبادله‌ای، صکوک اسلامی و عملیات خرید دین و غیره، این مشکل‌ها تا حدودی از بُعد نظری برطرف شده است ولی در عمل، کشورهای اسلامی از جمله ایران هنوز با برخی از این مشکل‌ها روبه‌رو هستند.

واژگان کلیدی: *اسلام، اقتصاد، بانک، بانکداری اسلامی، چالش، بهره، ربا.*
طبقه‌بندی JEL: G21

مقدمه

ایده بانکداری اسلامی نخستین‌بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. نخستین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹٦۰در مالزی و مصر شکل گرفت و بعد از آن در سال ۱۹۷٤ بانک اسلامی دبی و ... پدید آمد. به‌طوری که تاکنون براساس گفته قحف (Kahf, 1999)، تعداد بانک‌های اسلامی در سراسر جهان فراتر از ۱۰۰ نوع است (Sarker, 2004: 2). تا جایی که ادواردز (Edwardes,W)، ظهور بانکداری اسلامی را نوعی ابداع مذهبی خوانده است.

بانک‌های اسلامی براساس اینکه در چه محیط و وضعیتی قرار دارند به سه دسته قابل تفکیک هستند:

- بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که قانون‌های آن کشورها مطابق با شریعت اسلامی است و بانکداری رایج در آنجا بانکداری اسلامی است، مثل کشورهای ایران، پاکستان و سودان؛
- بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که اکثریت مردم آن مسلمانند و بانکداری رایج در آن‌جا، بانکداری سنتی است، مثل کشورهای مسلمان عربی؛
- بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که اکثریت مردم آن غیرمسلمانند و بانکداری رایج در آن‌جا، بانکداری سنتی است، مثل کشورهای غربی.

بانک‌های اسلامی در کشورهای غربی با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو هستند، زیرا افزون بر مشکل‌هایی که بانک‌های اسلامی در کشورهای اسلامی با آن روبه‌رو هستند، یک سری مشکل‌های زیربنایی دیگر، از جمله حمایت نکردن دولت و قانون از بانک‌های اسلامی و کمبود نیروی متخصص، گریبان‌گیر این بانک‌هاست. به‌طور کلی طرز تفکر و نگرش، مشکل اساسی مواجه با بانکداری در غرب است، به‌طوری که دیکسون (Dixon, 1992) بیان می‌کند: «غرب در نگرش مثبت به نیازهای بانک‌های اسلامی شکست خورده است».

افزون بر این، ایراد دیگری که بر بانک‌های اسلامی در جهان وارد شده این است که بانک‌های اسلامی هنوز در طراحی سازوکار بدون بهره، بـرای سـپرده‌هـای کوتـاه‌مـدت مردم کامیاب نشده‌اند. همچنـین انتقادهـای دیگـری در زمینـه تـأمین مـالی مـشتریان و کسری‌های مالی دولت وجود دارد. در بانک‌های اسلامی که بر پایه تقسیم سود و زیـان (Profit-Loss Share (PLS)) قرار دارد، ریسک آن‌قدر بالاست که همه بانک‌ها به دنبال بازدهی ثابت و مطمئن هستند. در نتیجه بانک‌ها نتوانسته‌اند بهره را حذف کنند و فقـط بـه‌صـورت ظاهری، نام‌گذاری و اصطلاح قراردادها و مبادله‌ها عوض شده است (Sarker, 2004: 2-3).

در مقاله، نخست مروری بر مطالعه‌های انجام‌شده درباره چالش‌هـای عملـی مواجـه بـا بانکداری اسلامی در ایران و چند کشور دیگر خواهیم داشت و به بررسی چالش‌های ذکـر شده در این مطالعه‌ها می‌پردازیم. از آنجا کـه بـرای رفـع هـر چالـشی نخـست بایـد آن را شناسایی و پیامدهای آن را بررسی کرد، ابتدا چالش‌های بانکـداری اسـلامی کـه بـه‌وسـیله منتقدان در تحقیق‌های گوناگون ذکر شده را از این جنبه که بـه سـطح‌هـای خـرد و کـلان اقتصاد مرتبط می‌شوند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

البته برخی از این مشکل‌ها (به‌ویژه مشکل‌هایی در سطح کـلان) در کـشورهای محـیط اول حل شده است و برای برخی دیگر از این مشکل‌ها به‌وسیله محققـان اقتـصاد اسـلامی راهکارهایی مطرح شده که قابلیت عملی‌شدن را دارد. گذشت بیش از بیست و سه سـال از اجرای قانون بانکداری بدون ربا در ایران، فرصت مناسبی را بـرای مطالعـه و ارزیـابی ایـن نظام بانکی فراهم کرده است تا بانکداری اسلامی بتواند اثرهای مثبت خود را نمایان سازد.

مروری بر مطالعه‌های انجام‌شده

مجتهد و حسن‌زاده (۱۳۸٤)؛ در کتاب *پول و بانکداری و نهادهـای مـالی*، ضـمن تـشریح مبانی بانکداری اسلامی، چالش‌ها و مشکل‌های نظام بانکداری بدون ربا در ایـران را مـورد بررسی قرار داده‌اند، که برخی از این چالش‌ها به‌صورت مشکل‌های اجرایی و برخی دیگـر قانونی یا مدیریتی بوده‌اند. در این کتاب به چالش‌های علمـی و نظـری بانکـداری اسـلامی پرداخته نشده است.

کربهری، یوسف و همکاران (Karbhari, Yusuf, 2004)؛ مشکل‌ها و چالش‌هـای نظـام

بانکداری اسلامی در غرب را با مطالعه موردی انگلستان بررسی کرده‌اند که این مطالعه حاصل مصاحبه با مدیران و معاونان ارشد چهار سازمان از یازده سازمان کلیدی که در انگلستان خدمات بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند، است. در انگلیس بیش از دو میلیون مسلمان زندگی می‌کنند و افزون بر این، شهرهای انگلیس همواره شاهد هزاران مهمان مسلمان است، که این دلالت بر اهمیت موضوع بانکداری اسلامی در انگلستان دارد. در انگلیس افزون بر مشکل‌های عمومی، بانک‌های اسلامی با مشکل‌های دیگری مانند تعیین مالیات بر سود سپرده‌گذاران (از آنجا که در انگلیس به بهره، مالیات تعلق نمی‌گیرد)، با مشکل مدیریت ریسک و نقدینگی، کمبود نیروی متخصص و آموزش آنها روبه‌رو هستند.

هارون، سودین و همکارانش (Haron, Sudin, 2004)؛ چشم‌اندازها و چالش‌های بانکداری اسلامی در تایلند را بیان کرده‌اند و به ذکر یک‌سری مشکل‌های مخصوص بانکداری اسلامی تایلند می‌پردازند. طبق آمارهای بین‌المللی اکثریت جمعیت مسلمان تایلند در روستاها با کشاورزی امرار معاش می‌کنند و جزو فقیرترین مناطق تایلند شمرده می‌شوند، یعنی مناطق اسلامی تایلند پتانسیل‌های اقتصادی لازم برای رشد بانکداری اسلامی را ندارد، قوانین و مقررات نیز از آنها حمایت کافی ندارد و نیروی انسانی ماهر برای بانک‌های اسلامی نایاب است.

رایت، جی. دبلیو (Wright, J.W, 1995)؛ مشکل‌های عملی بانکداری اسلامی در کشورهای عربستان و اردن را مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق در دانشکده واشنگتن آمریکا صورت گرفته است.

سارکر، عبدالاول (Sarker, Abdul Awwal, 2004)؛ اجرا، دیدگاه‌ها و مشکل‌های بانکداری اسلامی را در بنگلادش بیان کرده است. هم‌چنین با مطالعه موردی بانکداری اسلامی در بنگلادش ادعا می‌کند که بانک‌های اسلامی در بنگلادش با گونه‌های متفاوتی از ریسک نسبت به بانک‌های تجاری سنتی روبه‌رو هستند که سرانجام به عدم بازدهی این‌گونه بانک‌ها می‌انجامد.

فهیم‌خان، ام (Fahim Khan,M, 2002)؛ مدرنیزه‌شدن مالی در قرن ۲۱، و چالش‌هایی که برای بانکداری به همراه داشته را بررسی کرده است. در این مقاله اثر تغییرهای مهم

در چارچوب قوانین جهـانی ماننـد لغـو قـانون گـلاس ـ اسـتیگال (Glass Steagall Act) در سال ۱۹۹۳ و پدیدآمدن قانون جدید دیگر را در صـنعت بانکـداری بـه‌ویـژه بانکـداری اسلامی بررسی می‌کند.

صمد و حسن (Samad, Hassan, 1999)، عملکرد بانک‌های اسلامی را در مـالزی طـی دوره ۱۹۹۷ـ۱۹۸٤ بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان می‌دهـد کـه عـدم وجـود اطلاعـات علت اصلی رشد آهسته سوددهی این بانک‌ها بوده است.

چالش‌های نظری و اجرایی بانکداری اسلامی

اگر از نقطه‌نظر نظری در سطح خرد و کلان به مفهوم ضمنی بانکـداری بـدون بهـره نگاه شود، یک سری پرسش‌ها و مشکل‌های بالقوه را به همراه خواهد داشت. در اینجـا لیستی از موضوع‌هایی که بانکداری اسلامی به‌صورت کلی با آن روبه‌روست، آمـده اسـت (Sarker, 2004: 523-30).

شایان ذکر است که این موضوع‌ها به‌طور ذاتی با بانکداری اسلامی همـراه بـوده اسـت. البته برخی از این موردها و مشکل‌ها برای کشورهایی مثـل ایـران کـه در محـیط اول قـرار دارند، به‌علت اسلامی‌بودن حکومت، برطرف شده است و برای برخی دیگـر، راهکارهـایی به نسبت عملی پیشنهاد شـده اسـت. بنـابراین بایـد پـس از شناسـایی دیگـر موضـوع‌هـا، با راهکارهای عملی در صدد برطرف کردن آنها برآمد.

چالش‌های اجرایی در سطح کلان (Macro Operation)

نقدینگی و سرمایه (Liquidity and Capital)

از مهمترین انتقادهای وارد شده بر بانکـداری اسـلامی ایـن اسـت کـه بـه پـول، فقـط به‌صورت وسیله‌ای برای مبادله نگاه می‌شود، در حالی که بانـک‌هـای سـنتی بـر نگهـداری نقدینگی تأکید دارند و مقدار کـافی نقـدینگی را بـه‌صـورت ذخیـره در بانـک‌هـای خـود نگهداری می‌کنند. افزون بر این بانکداری اسلامی بر مبنای اصول مشارکت در سود و زیان بنـا شـده اسـت و بـه‌علـت طبیعـت تفکیـک‌پـذیری (Divisibility) و برگـشت‌پـذیری (Reversibility) کمتری که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها دارند، نسبت به بانـک‌هـای سـنتی از

ریسک بالاتری برخوردارند و باید نقدینگی و ذخیره بیشتری داشته باشند.

کمیته بیسل (BSLE)، کمیته‌ای است که ریسک دارایی بانک‌ها را تخمین می‌زند، به‌طوری که طبق نظر این کمیته، دارایی بانک‌های اسلامی ریسک بیشتری نسبت به بانک‌های دیگر دارند و این بدین علت است که بانک‌های سنتی، نسبت بزرگتری از سپرده‌های بهره‌دار را ذخیره می‌کنند، افزون بر این ارزش دارایی‌های بانک‌های سنتی و بهره متعلق به سپرده‌گذاران، به آسانی قابل محاسبه است، در حالی که سود متعلق به سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی که در پروژه‌های بلندمدت و پرمخاطره سرمایه‌گذاری می‌شود، به سختی قابل ارزیابی است.

همچنین منتقدان بیان می‌کنند که بانک‌های اسلامی نمی‌توانند از مزیت‌ها و پشتیبانی‌های بانک مرکزی استفاده کنند؛ به‌عبارت دیگر، در مواقع ضرور نمی‌توانند از بانک مرکزی در جایگاه قرض‌دهنده (به‌علت بازپرداختی که به‌صورت بهره است)، استفاده کنند. بنابراین بانک‌های اسلامی در نظر قانون‌گذاران، احتیاج‌های نقدینگی بالاتر و ریسک دارایی بالاتری نسبت به بانک‌های سنتی دارند.

مسئله مهم از دید منتقدان در اندازه‌گیری نقدینگی این است که بانک‌های سنتی با خلق پول، میزان نقدینگی خود را کنترل می‌کنند؛ اما تحت نظام بانکداری اسلامی، امکان خلق پول وجود ندارد؛ بنابراین، بانک‌ها مجبورند به عرضه پول نقد بانک مرکزی وابسته باشند و این خود محدودیتی بر کنترل نقدینگی در بانک‌های اسلامی است.

وام‌دهی در بانکداری سنتی، بدون توجه به درآمد آینده قرض‌گیرنده صورت می‌گیرد و طبق ماهیت، ضمانت و بازاریابی‌شان قدرت نقدشوندگی دارند؛ در حالی که بانک‌های اسلامی طبق چنین اصولی عمل نمی‌کنند و در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که با کالاها، سهام شرکت‌ها یا سرمایه کاری شرکت‌ها سروکار دارند و به آسانی قابل نقد شدن نیستند.

از لحاظ نظری، نقد شدن دارایی‌های بانک‌های اسلامی، با احتمال بسیار کمتری نسبت به بانک‌های سنتی تحقق می‌یابد. همچنین نوسان‌های بیشتر در نرخ نقدینگی، به‌طور معناداری روی توانایی بانک‌های اسلامی برای فراهم‌کردن اعتبار بخش خصوصی اثر می‌گذارد و این امر، درجه نقدینگی بیشتری را برای هر نوع سرمایه و سپرده‌گذاری در بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های سنتی نشان می‌دهد. در مجموع، احتیاج‌های

سرمایه‌ای بانک‌های اسلامی باید بیشتر باشد تا سپرده‌گذاران را در مقابل زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی مجموع سرمایه‌گذاری‌ها حمایت کند، زیرا که افزایش ذخیره‌های قانونی و احتیاطی، ایمنی بیشتری را فراهم می‌کند (Sarker, 2004: 2).

تفاوت میان وام در بانکداری اسلامی با بانکداری غربی در این است که بانک‌های غربی باید به فکر آخر سال باشند و هر سال باید اصل و سود را بپردازند، اما بانک‌های اسلامی شریک سرمایه‌گذار هستند.

مسئله بحران نقدینگی یا همان ناتوانی بانک برای افزایش سرمایه در دارایی‌ها و انجام تعهدها، می‌تواند اساساً اثرهای زیانباری را روی بانک بگذارد. مدیریت نقدینگی باعث ثبات نظام مالی می‌شود. کنترل نقدینگی، مهمترین مسؤولیت مدیریت بانک است. استفاده از وجه‌های کوتاه‌مدت در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، بانک را با این ریسک روبه‌رو می‌کند که دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری ممکن است متقاضی دریافت وجوه خود شده و بانک را مجبور به فروش دارایی‌های خود کنند. در بانک اسلامی این امر اهمیت فراوانی می‌یابد. زیرا اکثر فقیهان بر این عقیده استوار هستند که اکثر قراردادهای مضاربه در سررسید به پایان نمی‌رسند.

سه علت عمده برای اینکه بانک‌های اسلامی در جهان باید به مسئله نقدینگی توجه کنند به‌صورت ذیل است:

۱. کمبود بازارهای ثانویه برای دارایی‌ها؛

۲. سررسید کوتاه‌مدت برخی سپرده‌ها؛

۳. نبود قرض‌دهنده نهایی مانند بانک مرکزی (Abdul Hamid, 2001: 99).

در جهت رفع این مشکل، راهکارهایی مطرح شده است. به‌طور مثال، عقیلی‌کرمانی به بحث مدیریت ریسک می‌پردازد. جهت کاهش ریسک نقدینگی به‌طور معمول اگر بانک نتواند احتیاج‌های کوتاه‌مدت نقدینگی خود را از راه فروش گواهی‌های سپرده تأمین کند، با وثیقه‌گذاردن قسمتی از دارایی‌های خود آن‌قدر منابع تجهیز می‌کند تا بتواند تعهدهای خود را به موقع بپردازد. درباره ریسک عملیاتی با استخدام کارمندان و پرسنل قابل اعتمادتر و با تجربه‌تر می‌توان آن را کاهش داد. برای ریسک بازار نیز باید از ابزارهای مهندسی مالی مالکیت (سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت)، بدهی (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)، مشتقه (قول‌نامه و بیع‌الوفا) و ترکیبی (قول‌نامه خرید سهام) استفاده می‌شود.

ارزشیابی دارایی‌های بانک (Valuation of Bank Assets)

این انتقاد بر بانکداری اسلامی وارد شده که در نبود نرخ ثابت بازدهی، ممکن است بانک‌های اسلامی متحمل زیانی در ارزش دارایی‌های خود شده و بدون بیمه‌کردن سپرده‌ها، ممکن است بانک‌های اسلامی دچار مشکل‌های در ثبات درون نظام و بحران‌های نقدینگی بشوند.

بانک‌های اسلامی با یک ریسک دوگانه (dual risk) روبه‌رو هستند:

ـ ریسک اخلاقی (Moral Risk): به‌علت عدم صداقت بخشی از گیرندگان وجه‌ها در اعلام‌کردن زیان دروغین؛

ـ ریسک تجاری (Business Risk): که از یک رفتار غیرمنتظره بازار حاصل می‌شود.

برای تشخیص هر گونه احتیاج‌های ذخیره‌ای یا احتیاطی، باید در نظر گرفته شود که تا کجا سود یا زیان سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها به سپرده‌گذاران منتقل می‌شود. از آنجا که در بانکداری اسلامی، سود و زیان‌ها به‌طور کامل در ارزش سپرده‌ها منعکس می‌شود، بانک‌ها کل ریسک‌ها را به سپرده‌گذارانشان انتقال خواهند داد و این باعث کاهش سرمایه‌گذاری در بانک‌های اسلامی می‌شود.

مشکل دیگر، تعیین سود و زیان و تقسیم آن بین سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مثل مضاربه و مشارکت است. با تغییر در جریان نقدی مورد انتظار، ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت همانند هزینه فرصت سرمایه نوسان خواهد داشت و در غیاب بازار فعال در این سرمایه‌گذاری‌ها، فرایند ارزشیابی خیلی هزینه‌بر و نامشخص می‌شود (Karbhary, 2004: p, 525).

در بانکداری متعارف، تسهیلات اعطایی همه براساس قرارداد قرض با بهرهٔ معین است و بانک در مقابل آن وثیقه می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، قراردادهای مبادله‌ای همین ویژگی را دارند؛ یعنی قرارداد با نرخ‌های سود معین منعقد شده و در مقابل آن وثیقه دریافت می‌شود؛ اما در قراردادهای مشارکتی، اولاً نرخ سود نامعین است، ثانیاً به‌علت رابطهٔ شراکتی بانک با گیرندهٔ تسهیلات، وثیقه معنا ندارد و بانک همانند صاحب پروژه و سرمایه‌گذار در پروژه به‌شمار می‌رود و این باعث می‌شود که ریسک بانکداری بدون ربا به‌علت نرسیدن به‌موقع طرح‌ها به سوددهی و گزارش غیرصحیح استفاده‌کننده تسهیلات مشارکتی افزایش یابد.

اگر بانک بخواهد این ریسک را به‌درستی مدیریت کند، ناگزیر باید در انتخاب طرح‌ها و پیشبرد آنها تا مرحلهٔ بهره‌برداری و بعد از آن، به‌وسیله کارشناسان باتجربه نظارت و کنترل کند و این امر به‌صورت طبیعی برای بانک‌های تجاری غیرممکن است و اگر بانک بخواهد در عرصه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری به تناسب، کارشناس خبره استخدام کند، هزینه عملیات اعتباری به شدت افزایش می‌یابد و هزینه تمام‌شدهٔ سرمایه در بانکداری بدون ربا بیشتر می‌شود (عقیلی‌کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۷۲).

بنابراین محققان اسلامی نقش مدیریت ریسک را در بانکداری اسلامی مهم می‌دانند. مدیریت ریسک به فرایندی اطلاق می‌شود که نهاد مالی برای تعیین ریسک‌هایی که با آن روبه‌رو است انجام می‌دهد. مدیریت ریسک دربرگیرنده همزمان ابزارها، روش‌ها، و فرایند اجرای استراتژی ریسک در بانک است. ماهیت و چگونگی ریسک‌هایی که بانک اسلامی با آن روبه‌روست و روش‌های نامحدودی که برای تأمین مالی اسلامی است، به بروز مسایل فراوانی در امر سنجش ریسک، تحقق درآمد، کافی‌بودن وثیقه و استانداردهای افشای عملیات مالی می‌انجامد.

خلق اعتبار و سیاست پولی (Credit Creation and Monetary Policy)

به نظر مخالفان بانکداری اسلامی، اکثر ابزارهای سیاست‌گذاری سنتی بانک مرکزی، تحت بانکداری اسلامی غیر مؤثر واقع می‌شوند؛ که شامل این موردها هستند:

- حداقل احتیاج‌های ذخیره نقدی؛
- احتیاج‌های نقدینگی؛
- سقف‌های اعتبار کل روی فعالیت‌های اعطای تسهیلات بانک‌ها؛
- هدف‌های اجباری تأمین مالی بخش‌های خاص.

اقتصاددانان اسلامی روش‌های گوناگونی برای حل موضوع خلق پول در بانک‌های اسلامی ارائه داده‌اند، که هر کدام مشکل‌های خاص مربوط به خود را دارد که در ذیل به ذکر آنها می‌پردازیم. چهار نظر عمده در زمینه ذخیره قانونی مطرح شده است:

۱. عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی (توتونچیان، کمال محمد)؛
۲. لزوم نگهداری صددرصد ذخیره قانونی برای سپرده‌های جاری (قحف، الجارحی و محسن‌خان)؛
۳. نظام نسبت ذخیرهٔ قانونی جزئی (عبدالمنعم عفر و ناصر الغریب)؛
٤. نظام نسبت ذخیرهٔ قانونی جزئی ویژه (چپرا).

دربارهٔ نظر توتونچیان و یوسف کمال محمد باید گفت: در صورتی که کنز به مفهوم اقتصادی آن و بورس‌بازی در اقتصاد اسلامی ممنوع باشد و در عمل نیز بتوان از آن جلوگیری کرد، نظام بانکداری اسلامی در جهت هدف ثبات و رشد و توسعه عمل می‌کند و خلق اعتبار به‌وسیلهٔ بانک‌ها به‌علت آنکه قسمت عمده آن صرف سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی و سودآور می‌شود، تورم‌زا نیست؛ از این‌رو ضرورتی برای نگهداری ذخایر وجود ندارد؛

نظام نرخ ذخیره قانونی کلی (صد در صد) برای سپرده‌های جاری نیز که قحف، الجارحی و محسن‌خان از آن دفاع می‌کنند، همه هدف‌های را با هم تأمین نمی‌کند. در این نظام، به‌علت آنکه بانک‌ها به خلق پول اعتباری قادر نیستند نمی‌توانند سبب پدیدآمدن تورم و عدم ثبات در جامعه شوند بنابراین، نظام پیش‌گفته با عدالت و ثبات اقتصادی سازگار است؛ اما با هدف رشد و توسعه اقتصادی چندان سازگار نیست (میرمعزی، ۱۳۸۲: ۹۷).

چپرا (Chapra) معتقد است که بانک مرکزی باید حجم پول را به‌گونه‌ای تنظیم کند که آهنگ رشد آن با رشد تولید هماهنگ باشد. نظریه کنترل عرضه پول وی، می‌تواند با کنترل پول پرقدرت تحقق یابد. وی در این باره دو گزینه را پیشنهاد می‌کند:

نخست اینکه؛ احتیاج ذخیره‌ای ۱۰۰ درصد روی بانک‌های تجاری اعمال شود. بنابراین فقط بانک مرکزی اجازه خلق پول و اعتبار را می‌یابد و بانک‌های تجاری را به سوی مضاربه سوق خواهد داد؛

دوم اینکه؛ اجازه خلق پول و اعتبار به بانک‌ها داده شود. که با توجه به تأکید اسلام روی عدالت توزیعی، بانک‌ها یا باید ملی شوند، یا باید به بانک‌های خصوصی به‌صورت شرطی اجازه داده شود که درآمد خالص حاصل از سپرده‌های پدیدآمده را به دولت بدهند. برای این گزینه، پیشنهاد شده است که احتیاج‌های قانونی در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد، فقط روی سپرده‌های جاری اعمال شود. این پیشنهاد نیز، مشکل‌های خاص خود را درباره تقسیم درآمد خالص بین سهامداران بانک، سپرده‌گذاران و دولت دارد و هنگامی که این سپرده‌ها در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به‌کار گرفته می‌شود، به احتیاج‌های نقدینگی بیشتر و قدرت خلق پول کمتر می‌انجامد.

محسن‌خان (M.S.Khan, 1980) منابع مالی را به دو دسته سپرده‌های جاری و سپرده‌های سرمایه‌گذاری تقسیم کرده و احتیاج‌های ذخیره‌ای سپرده‌های جاری را ۱۰۰ درصد قرار داده و معتقد است چون سپرده‌های سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های ریسک‌دار استفاده می‌شود، به احتیاج‌های ذخیره‌ای نیازی نیست. در نتیجه، این محدودیت باعث کاهش قدرت تولید اعتبار بانک‌ها می‌شود.

الجارحی (Al-Jarhi, 1980)، مدلی به نام «ساختار پولی و مالی بر پایه بهره‌وری» ارائه کرده است که براساس آن، بانک مرکزی از خرید و فروش گواهی‌های سپرده مرکزی یا همان اوراق مشارکت، به جای اوراق قرضه بهره‌دار، پول خلق می‌کند. این مدل بیشتر به قرض‌دادن وجه‌ها بر پایه سودآوربودن پروژه‌های سرمایه‌گذاری تمایل دارد، نه بر روی توانایی پرداخت و شأن و شایستگی قرض‌گیرندگان. بدین منظور، بانک‌های اسلامی به پرسنل بانکداری آموزش‌دیده و ماهر در امکان‌سنجی و ارزیابی پروژه‌ها نیاز دارند که هزینه کنترلی هنگفتی را به دنبال دارد (Sarker, 2004: 12-14).

در چنین اقتصادی، نرخ تنزیل در جایگاه ابزار سیاست‌گذاری وجود ندارد. بنابراین اقتصاد با حذف نرخ تنزیل، مستلزم تغییرهای ساختاری عمیقی است. بدون نرخ بهره، باید سازوکاری در اقتصاد اسلامی در جایگاه عامل تنزیل برای تنزیل جریان‌های درآمدی آینده به منظور ارزیابی پروژه‌ها، به خدمت گرفته شود.

از آنجا که در روش متداول عملیات تنزیل مجدد اگر هیچ‌گونه خرید و فروش دینی نزد بانک مرکزی صورت نگیرد به اعتقاد همه مراجع جایز نیست و نمی‌توان از آن در نظام بانکی استفاده کرد. با توجه به ضرورت حمایت بانک مرکزی از بانک‌ها در بحران‌های مالی و نیز پدیدآوردن ابزارهای جایگزین برای بانک مرکزی جهت کنترل حجم پول، اقتصاددانان اسلامی پیشنهاد ابزارهایی جایگزین را داده‌اند:

۱. بانک مرکزی می‌تواند از راه مضاربه یا شرکت با بانک‌های سپرده‌پذیر اسلامی، وجه‌های مورد نیاز بانک‌ها را در مواقع کمبود نقدینگی در اختیار آنان قرار دهد؛

۲. بانک مرکزی می‌تواند بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها را به‌صورت ذخیره قانونی نگه داشته، در مواقع کمبود نقدینگی، به‌صورت قرض‌الحسنه در اختیار بانک‌ها قرار دهد؛

۳. بانک مرکزی می‌تواند هنگامی که بانکی با کمبود نقدینگی روبه‌رو می‌شود، به وی قرض‌الحسنه بدهد به این شرط که پس از اتمام مشکل نقدینگی آن بانک (افزون بر ادای قرض خود) همان مبلغ را در همان مدت به بانک مرکزی قرض‌الحسنه بدهد؛
٤. بانک‌های اسلامی می‌توانند صندوق مشترکی نزد بانک مرکزی پدید آورند و هر بانک، درصدی از سپرده‌های جاری و پس‌انداز خود را در این صندوق نگه دارد تا وقتی با مشکل کمبود نقدینگی روبه‌رو شد بتواند از این صندوق قرض‌الحسنه بگیرد (میرمعزی، ۱۳۸۰: ۸٦).

البته در مطالعه‌های جدید برخی از محققان بانکداری اسلامی، روش خاصی برای عملیات تنزیل مجدد پیشنهاد داده‌اند که براساس آن بسته‌های اسناد مالی تنزیل‌شده نزد بانک‌های تجاری، نزد بانک مرکزی تنزیل می‌شوند بر این اساس، می‌توان از منابع بانک مرکزی برای تأمین کسری بانک‌های تجاری استفاده کرد.

ثبات مالی (Financial Stability)

بانکداری متعارف بر مبنای بهره، تعهدهای ارزشی ثابتی را برای سپرده‌گذاران در نظر می‌گیرد که در نبود بیمه سپرده، ارزش این دارایی‌ها می‌تواند کمتر از بدهی ثابت آن شده و باعث ورشکستگی شود. به‌عبارت دیگر، رفاه فردی به عمل فرد دیگر بستگی دارد. برای مثال، اگر یکی از قرض‌گیرندگان عمده، نکول کند، وحشت مالی به راه می‌افتد و هر سپرده‌گذار می‌کوشد وجه خود را هر چه زودتر از بانک بیرون بکشد؛ که این می‌تواند عوارض منفی مثل عدم ثبات مالی را در این نظام به همراه داشته باشد. اعتقاد منتقدان درباره بانک‌های اسلامی این است که به‌علت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پرمخاطره، این موضوع بارزتر است.

بیمه‌کردن سپرده‌ها، مشکل‌های وحشت مالی را کاهش خواهد داد، اما باعث عدم کارایی در فرایند می‌شود. هم‌چنین فقدان پوشش بیمه می‌تواند به‌صورت مشکلی برای بانک‌های اسلامی شمرده شود و به دنبال آن سپرده‌گذاران به‌علت بازار فریبنده سرمایه و زیان‌های حاصل از عدم پوشش بیمه، در بانک‌های اسلامی باقی نخواهند ماند. البته خرید خدمات بیمه‌ای مانند بیمه تکافل، به‌صورت راهکاری است که توانسته در کشورهای اسلامی تاحدودی ریسک را کاهش دهند.

نظر برخی اقتصاددانان مسلمان این است که به‌علت عدم وجود تعهد ثابت، سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی تشویق می‌شوند که هنگام کاهش در ارزش دارایی‌هایشان، در بانک باقی بمانند؛ بنابراین عوارض جانبی در بر ندارد و به جز در موردهای مثل سرقت و کلاهبرداری، به بیمه سپرده احتیاج ندارند (Sarker, 2004: 16).

به‌طوری که هایک (Hayek, 1933)، فیشر (Fisher, 1930)، مینتز (Mintz, 1950) و فریدمن (Freedman, 1957)، نظام بانکداری سنتی که بر مبنای نظام ذخیره جزئی قرار دارد، را بی‌ثبات ارزیابی کرده‌اند. این بی‌ثباتی از نظر آنها از عدم همزمانی میان تصمیم‌های بانک‌های تجاری و بانک مرکزی ناشی می‌شود و مثال‌هایی برای ادعای خود می‌آورند مانند ابرتورم دهه بیست یا تورم‌های نفتی دهه هفتاد در اروپا و نیز بحران‌های بانکی در ژاپن، روسیه، آرژانتین و آسیای شرقی. هم‌چنین، زرقا (Zarqa,1983)، خان (Khan, 1986)، چپرا (Chapra, 2000)، ال گمل (El Gamel, 2000) و غفور (Ghafoor, 1997) معتقدند که اگر بانکداری غربی بر پایه نظام تسهیم سود و زیان بانکداری اسلامی عمل کند با پایداری بیشتری در مبادله‌های مالی خود روبه‌رو خواهد بود.

مالکیت بانک‌ها (The Ownership of Banks)

بحث مالکیت بانک‌ها به‌طور اصولی به اثر توزیعی روی جامعه بر می‌گردد. به‌ویژه قدرت خلق اعتبار بانک‌های تجاری با نرخ ذخیره جزئی سبب برانگیخته‌شدن بحث عمومی یا خصوصی‌بودن بانک‌ها می‌شود. از نظر منتقدان بانکداری اسلامی، موضوع مالکیت بانک‌های اسلامی هنوز دچار ابهام‌هایی است و بیان می‌کنند که در پاکستان بانک‌ها خصوصی هستند و ذخیره جزئی نگهداری می‌کنند، در حالی که در ایران بانک‌ها ملی هستند (Sarker, 2004: p, 17).

البته این انتقاد نیز برطرف شده است، اغلب محققان اسلامی در این موضوع اتفاق‌نظر دارند که ممکن است در وضع خاصی چون موقعیت جنگی و محاصره اقتصادی، مدیریت بانک‌ها دولتی شود و حتی می‌توان در وضعیت استثنایی، با استفاده از عقدهای خاصی، تمام منابع را هم به مالکیت دولت درآورد؛ چنان‌که می‌توان در وضع عادی و رقابت سالم بازارها، از جمله بازار پول و سرمایه، مالکیت منابع و مدیریت بیشتر یا همه

بانک‌ها (غیر از بانک مرکزی) را به بخش خصوصی سپرد و دولت فقط از راه بانک مرکزی و با اعمال قوانین و اجرای سیاست‌های پولی به نظارت، کنترل و هدایت بانک‌ها بپردازد (موسویان، ١٣٨٤: ٥٦).

فقدان بازار سرمایه و ابزارهای مالی

منتقدان معتقدند بانک‌های اسلامی که تحت چارچوب بانکداری سنتی در کشورهای گوناگون کار می‌کنند، بازار و ابزار سرمایه‌ای لازم برای سرمایه‌گذاری وجوه اضافی‌شان ندارند. در حالی که داشتن چنین بازارهایی به رشد این بانک‌ها کمک می‌کند و همچنین به پیدایش محیطی برای تأمین مالی دولت به‌وسیله این بانک‌ها می‌انجامد.

گاهی بانک‌ها با مازاد منابع روبه‌رو می‌شوند. در این‌صورت، نگهداری وجوه به‌صورت پول نقد، هزینه فرصت دارد و به ضرر بانک و سپرده‌گذاران است. در این موردها نیز محققان اسلامی راهکارهایی مطرح کرده‌اند. بانک می‌تواند با تخصیص منابع مازاد به خرید اوراق بهادار اسلامی چون اوراق مرابحه، استصناع، سلم، اجاره، مشارکت و مضاربه، موسوم به صکوک، همهٔ منابع را به منابع سودآور تبدیل کند. بدین ترتیب در مواقعی که وضعیت اقتصادی کشور اقتضای سیاست پولی خاص را دارد، بانک مرکزی بانک‌های تجاری را به خرید و نگهداری اوراق بهادار موظف می‌کند (موسویان، ١٣٨٣: ٦٦).

برای نمونه در کشور مالزی، بازار مالی اسلامی بر سه پایه اصلی یعنی بانکداری اسلامی، تکفل (بیمه) و بازار سرمایه استوار شده است. در سال ١٩٨٣ دولت مالزی قانون بانکداری اسلامی و یک سال بعد از آن قانون تکفل (بیمه) را به تصویب رساند و گام‌های اساسی برای تأسیس شرکت‌های دولتی برداشته شد. در سال ١٩٩٧ بازار اوراق خصوصی اسلامی PDS نیز پدید آمد و با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. به‌طوری که سهم این اوراق از ٧ درصد در سال ١٩٩٩ به ٣٦ درصد در سال ٢٠٠١ افزایش یافت. خریداران این اوراق هیچ بهره‌ای دریافت نمی‌کنند. آنها در حقیقت پولشان را با رعایت قانون اسلامی «عدم قرض‌دادن پول با هدف افزایش سرمایه» به شرکت‌های عرضه‌کننده اوراق جهت به‌کارگیری در سرمایه‌گذاری‌ها وامی‌گذارند. در ضمن، این معامله‌ها شامل پرداخت مالیات نیستند (Abdul Hamid, 2001: 94).

شایان ذکر است که محققان اسلامی، راهکارهـای نظـری و عملـی بـرای مـشکل‌هـای مربوط به سطح کلان پیشنهاد کرده‌اند که می‌تواند به مرحله اجرا درآید. البتـه طـرح برخـی از این مسایل برای کشورهایی مثل ایران که در محیط اول فعالیت می‌کنند، مفهـومی نـدارد و به کلی حل‌شده است ولی مـشکل‌هـایی کـه مربـوط بـه سـطح خـرد مـی‌شـود، دچـار ابهام‌های بیشتری است.

موضوع‌های مرتبط با اجرا در سطح خرد (Micro Operation)

هزینه بالای اطلاعات

محققان مسلمان روی این موضوع توافق دارند که هزینه‌هایی مثل نوشـتن و محکـم‌کـردن عقدها و قراردادها در بانک‌های اسلامی بیشتر و کنترل آن سخت‌تر از بانک‌های با نظام بهره‌ای است. همچنین هنگامی که اقتصاد کشورهای با بانکداری اسلامی شفاف نباشد و به‌وسیله بازار و نواقص اطلاعاتی آن مشخص می‌شود، فشار بیشتر این مشکل‌ها، هزینه اطلاعات را افـزایش می‌دهد؛ این هزینه بالای اطلاعات می‌تواند سبب شکست در کارایی نظام PLS شود.

کنترل هزینه وجوه

بانک‌های بر مبنای بهره، سود را با توجه به هزینه وجوه حداکثر می‌کنند و با درجه‌ای از اطمینان، مقدار سودی که در کوتاه‌مدت به‌دست می‌آید را پیش‌بینی مـی‌کننـد؛ همچنـین بـا محدودیت‌هایی سطحی، سود بلندمدت را برآورد می‌کنند. اما در نظـام بانکـداری اسـلامی هزینه وجوه را از پیش نمی‌دانیم و در پایان به سپرده‌گذاران سهمی از سود کـه نامـشخص است، پرداخت می‌شود.

در این وضعیت اگر نرخ سود مورد انتظار سپرده‌گذاران محقق نشود، بانک‌های اسلامی با عدم اطمینان بیشتری به‌علت کـاهش وجـوه سـپرده‌گـذاران، روبـه‌رو مـی‌شـوند. انتظـار سپرده‌گذاران این است که بانـک‌هـای اسـلامی بـه‌طـور متنـاوب (ادواری)، نـرخ بـازدهی سپرده‌های PLS را محاسبه کنند.

طبق روال معمول، به سپرده‌ها بنا به تفاوت در زمـان سررسیدشـان وزن داده مـی‌شـود. بانک خلاصه‌حساب شش‌ماهه از عملکردش تهیه می‌کند و بـه بانـک مرکـزی مـی‌فرسـتد،

تا نرخ سودی که به‌وسیله هر بانک پرداخت می‌شود، تعیین شود. به‌علت عدم کنترل کافی روی بانک‌های تابعه ممکن است، بانک‌ها از اعلام نرخ بازده واقعی به بانک مرکزی سر باز زنند و سود واقعی را کمتر گزارش دهند. بنابراین قابل ملاحظه است که بانک‌های اسلامی کنترل دقیقی روی وجوه هزینه‌ای‌شان ندارند.

تأمین مالی بر حسب اضافه قیمت (Mark-up Financing)

بدیهی است تفاوت بسیار اندکی میان اضافه قیمتی که به‌وسیله بانک‌های اسلامی تحت عنوان اضافه قیمت (Mark up) اعمال می‌شود و بهره بانک‌های سنتی تحت عنوان (Interest)، وجود دارد. روش اضافه قیمت به‌وسیله بانک‌ها برای تأمین مالی خود، در جایگاه ابزاری است که فرار از قوانین بانکداری اسلامی را بدون اختلال در نظام آنها فراهم می‌کند.

برخی از منتقدان بانکداری اسلامی بر این باورند که جایگزین واقعی نرخ بهره در نظام مالی اسلامی، روش قرض‌الحسنه است و روش‌های دیگر مثل مرابحه، بیع مؤجل، اجاره و رهن، که در آنها روش‌هایی برای فرار از ربا وجود دارد، نمی‌تواند در راه رسیدن به هدف‌های اقتصادی ـ اجتماعی بانک‌های اسلامی معنادار باشد.

اسلام بهره را غیرمجاز شناخته است، چون به‌طور ذاتی این نظام، با بی‌عدالتی فراوانی همراه است، یعنی اینکه دارنده وجوه سرمایه‌ای از بازدهی ثابت حاصله اطمینان دارد، در حالی که همه ریسک آن را استفاده‌کننده وجوه متحمل می‌شود. بنابراین اگر دارندگان وجوه نیز به دنبال سود هستند، باید در سود و زیان با کارآفرین همراه و شریک باشند.

در نتیجه، تکنیک‌هایی مثل مرابحه و ... که راه‌های فرار از ربا در آن وجود دارد، بازده از پیش تعیین‌شده را برای سپرده‌گذار فراهم می‌کند و نمی‌تواند در جایگاه جایگزین مناسب برای نرخ بهره در نظر گرفته شود و باید هنگامی استفاده شود که به‌طور مطلق کاربرد دارد و به قصد فرار از ربا صورت نگیرد.

تأکید بیش از حد به روش مرابحه (قراردادهای معاملاتی)

انتقادهای فراوانی بر بانکداری اسلامی وجود دارد که به تأکید بیش از حد به روش مرابحه در تأمین مالی اشاره دارد. با وجود اینکه قرارداد مرابحه به‌طور ذاتی از نظر شرعی تخلف شمرده نمی‌شود و مطابق با دیدگاه شریعت است، از فریب‌های عمدی و سهوی

مبرّا نمی‌شود. مردم مرابحه را به‌صورت نرخ بازده از پیش‌تعیین شده ملاحظه می‌کنند، ولی مرابحه در صورتی از نرخ بهره قابل تفکیک است و خلاف شرع نیست که وضعیت ذیل را داشته باشد:

أ : حاشیه سود (Profit Margin) یا همان اضافه قیمت، که با آن بانک شارژ می‌شود، باید طبق توافق طرفین باشد؛

ب : کالای مورد تقاضا باید پیش از فروش به مشتری در مالکیت فیزیکی بانک قرار گیرد؛

ج : مبادله میان بانک و فروشنده باید به‌صورت جداگانه از مبادله بانک و خریدار صورت بگیرد، یعنی دو قرارداد مستقل وجود داشته باشد.

در مبادله نخست، مشتری درخواست می‌کند که کالا را از بانک خریداری کند و بانک خرید را انجام می‌دهد. این درخواست الزام قانونی ندارد و مشتری این حق را دارد که نظر خود را عوض کرده و کالا را از بانک خریداری نکند. بنابراین بانک ممکن است دچار ریسک از دست‌دادن پول شود.

مبادله دوم مربوط به فروش کالا به مشتری بر پایه پرداخت قسطی (تأخیری) است و این مبادله، مشکل‌ها و ریسک‌های خاص خود را دارد، مثل نکول در پرداخت. مهم‌تر اینکه متأسفانه، بانک‌ها از این شرط مرابحه که باید به مالکیت فیزیکی بانک درآید، تخطی می‌کنند و این باعث مشکل‌هایی در صحت قرارداد از نظر شرعی می‌شود.

در این رابطه، سیدعباس موسویان در مقاله «ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا» در تقسیم‌بندی کلی، قراردادهای بانکی را به چهار گروه قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعاله)، قراردادهای مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات) و سرمایه‌گذاری مستقیم، تقسیم می‌کند.

مطالعه عملکرد این روش‌ها نشان می‌دهد که فقط قراردادهای مبادله‌ای با ماهیت بانک‌های تجاری و با هدف‌ها و سلیقه‌های متقاضیان تسهیلات بانکی سازگار است و به تنهایی برای تأمین صددرصد نیازهای متقاضیان تسهیلات بانک‌های تجاری کافی است. در نتیجه کلیه عملیات و قراردادهای بانک‌های تجاری به سمت قراردادهای معاملاتی سوق داده می‌شوند و از به‌کار بستن قراردادهای مشارکتی که ریسک بالاتری دارند، باز می‌مانند.

به‌کار بردن نرخ بهره به‌صورت حاشیه سود در قرارداد مرابحه

انتقادهای فراوانی بر بانکداری اسلامی وجود دارد، مبنی بر اینکه بانک‌های اسلامی نرخ بهره را به‌صورت معیاری برای قراردادن حاشیه سود در قرارداد مرابحه به‌کار می‌گیرند. هیچ راه شناخته‌شده‌ای برای گریز از این ارتباط ادعا شده در همزیستی میان بانک‌های اسلامی و سنتی وجود ندارد. بنابراین بانک‌های اسلامی باید از به‌کار بردن نرخ بهره رایج دوری گزینند و روش‌های حسابداری ویژه‌ای را برای تعیین اضافه قیمت در روش مرابحه به‌کار ببندند (Sarker, 2004: 17 - 25).

عدم واکنش مثبت برای تأمین احتیاج‌های مالی دولت

این حقیقت آشکار است که حکومت‌های مدرن همیشه به وجوهی برای پروژه‌های مفید خود نیاز دارند، به‌طور مثال برای ساخت مدارس، جاده و ... . انتقاد بر بانکداری اسلامی وجود دارد که دولت‌ها به انتشار اوراق خزانه‌داری با بهره مطابق با بانک‌های سنتی می‌پردازند.

اما محققان اسلامی، برای رفع این مشکل، چاره‌هایی عملی اندیشیده‌اند که در برخی از کشورهای اسلامی اجرا می‌شود. بانک‌های اسلامی می‌توانند از راه انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) مانند اوراق استصناع، اوراق مرابحه، اوراق اجاره و اوراق مشارکت، احتیاج‌های حکومت برای تأمین مالی را برطرف کنند و از سرمایه‌گذاری در اضافه نقدینگی بلااستفاده سود ببرند.

مشکل‌های بانکداری بدون ربا در ایران

در اینجا به مروری بر چالش‌ها و مشکل‌ها بانکداری بدون ربا در ایران که به‌وسیله احمد مجتهد و علی حسن‌زاده، انجام شده می‌پردازیم، که در عمل، بانکداری اسلامی ایران را مورد انتقاد قرار داده است:

- صوری‌بودن بخشی از عملیات بانکی به‌علت تبدیل‌شدن تمام عملیات بانکی به عقدهای معاملاتی؛
- پایین‌بودن میزان گرایش بانک‌ها به مشارکت واقعی در پروژه‌ها و گرایش بیشتر به عقدهای معاملاتی مثل فروش اقساطی به جای عقدهای مشارکتی مانند عقد مضاربه، و مشارکت و ... .

ـ فقدان نظام حسابداری کارامد و استاندارد (استفاده از روش حسابداری نقدی به جای روش تعهدی که باعث می‌شود، بازپرداخت اغلب وام‌های تخصیص‌یافته به دولت، معوقه یا سوخت‌شده شمرده شود)؛
ـ عدم پرداخت سود واقعی به سپرده‌گذاران (به‌علت عدم تفکیک منابع مالی وکالتی (سپرده‌گذاران) از منابع مالکانه (دارایی‌های بانک) و استفاده از نظام حسابداری نقدی به جای تعهدی که باعث کاهش سود تعلق‌یافته به سپرده‌گذاران می‌شود)؛
ـ عدم تمایل به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری از طرف بانک و عدم مشارکت بانک در پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛
ـ عدم وجود روش مناسبی برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی؛
ـ ضعف نظام نظارتی و بازرسی کارامد؛
ـ ضعف توان و عدم وجود کارشناسان متخصص در بانک‌ها برای تعیین طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی بالا؛
ـ فقدان اعتقاد جامعه به اسلامی‌بودن عملیات بانکی؛
ـ محدودیت‌های عقدها در اعطای تسهیلات (به‌علت نبود نظام اطلاعاتی منسجم).

نتیجه‌گیری، پیشنهادها و راهکارها

بانکداری اسلامی اگر به‌معنای واقعی و اصولی آن اجرا شود، از این جهت که به سپرده‌گذاران خود، سود یا زیان حاصل از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی پرداخت می‌کند و بر مبنای نرخ بهره که درصد ثابتی است قرار ندارد، اهمیت دارد. در صورتی که عقدهای مشارکتی اجرا شود، به‌علت اینکه با بخش حقیقی اقتصاد سروکار دارد، همراه با افزایش سطح قیمت‌ها، ارزش دارایی‌ها نیز افزایش می‌یابد. اما منتقدان بانکداری اسلامی معتقدند که در برابر اجرای بانکداری اسلامی به‌معنای واقعی مشکل‌هایی در سطح کلان جامعه پدید می‌آید.

در مقاله کوشیده شد که به این چالش‌های مطرح‌شده پاسخ داده شود. از جمله این انتقادها، فقدان نقدینگی و مشکل ارزیابی دارایی‌های بانک‌های اسلامی است که با استفاده از ابزارهای مهندسی مالی، روش‌های نوین مدیریت ریسک، فروش گواهی‌های سپرده در هنگام کمبود نقدینگی و یا وثیقه‌گذاشتن دارایی‌ها یا قرض‌گرفتن از بانک مرکزی به‌صورت مشارکت در طرح‌ها قابلیت برطرف شدن را دارد.

میسّر نبودن امکان خلق پول و اعتبار و نحوه مالکیت بانک‌های اسلامی از دیگر اشکال‌های واردشده بر بانکداری اسلامی است که با وجود بانک مرکزی، نگهداری ذخیره قانونی، تجویز عملیات خرید دین (تنزیل مجدد) و هم‌چنین عملیات بازار باز با خرید و فروش صکوک اسلامی، مشکل خلق اعتبار و سیاست‌های پولی نیز برطرف می‌شود. هم‌چنین بانک‌های اسلامی می‌توانند با تخصیص منابع مازاد به خرید اوراق بهادار مانند اوراق بهادار اسلامی موسوم به صکوک، همهٔ منابع را به منابع سودآور تبدیل کند و راهکاری در جواب به انتقاد در مورد فقدان بازارهای مالی و سرمایه باشد.

شایان ذکر است که بانک‌های اسلامی در سطوح خرد اقتصادی با چالش‌هایی مانند هزینه بالای اطلاعات و نوشتن قراردادها، عدم کنترل هزینه وجوه پروژه‌ها، استفاده از نرخ بهره برای تعیین حاشیه سود در قراردادهای مرابحه و هم‌چنین تأکید بیش از حد به قراردادهای معاملاتی، روبه‌رو هستند که هنوز محققان اسلامی راهکارهای عملی مناسبی برای این انتقادهای واردشده، اتخاذ نکرده‌اند.

در پایان برای کامیابی بانک‌های اسلامی در آینده، باید بانک جهانی اسلامی پدید آید که ایده آن تا حدودی مطرح شده است و ترتیبی اتخاذ کند که بانک‌های اسلامی درصدی از وجوه خود را نزد این بانک ذخیره کنند تا در صورت مراجعه سپرده‌گذارانی که بنا به مشکل‌هایی به دریافت وجوه خود مجبور می‌شوند، با کمبود نقدینگی و ورشکستگی روبه‌رو نشوند؛ یعنی به نوعی این بانک‌ها به‌وسیله بانک جهانی اسلامی بیمه شوند. هم‌چنین روش‌های استاندارد حسابداری برای این بانک‌ها پدید آید که با استانداردهای حسابرسی بین‌المللی مطابقت داشته باشد تا بتوانند عملیات تقسیم سود و هزینه‌ها را به درستی محاسبه کنند.

افزون بر این مدیریت بانک‌ها باید مشتری‌مدار، نوآور، خلاق و انعطاف‌پذیر در تغییرهای احتمالی بازار باشد. بانک‌های اسلامی نیاز به اصلاح ظرفیت‌های مدیریتی و آموزش پرسنل خود دارند تا در ارزیابی، کنترل و اجرای حسابرسی پروژه‌ها کامیاب باشند و بتوانند مدیریت ریسک را در تمام بُعدهای آن اعمال کنند. بانک‌های اسلامی از لحاظ فنی نیاز دارند متخصصان و مدیران شایسته‌ای به مسئله نقدینگی و ریسکشان بپردازند که باور به اجرایی‌بودن بانکداری اسلامی داشته باشند.

منابع و مآخذ

أ. فارسی

۱. عقیلی‌کرمانی، پرویز، ۱۳۸۱ش، «مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا»، *مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.

۲. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی، ۱۳۸٤ش، *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

۳. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۳ش، «اعتبار در حساب جاری مشارکتی، در بانکداری بدون ربا»، تهران: *مجله اقتصاد اسلامی*، ش ۹.

٤. ــــــــــ ، ۱۳۸٤ش، «ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، تهران: *مجله اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹.

۵. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۲ش، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی» تهران: *مجله اقتصاد اسلامی*، ش ۷.

ب. انگلیسی

1. Abdul Gafoor, A.L.M, 1999, "Islamic banking and finance: Another approach", Islamic banking & finance another, Vol. 3, No.3.
2. Abdul Hamid, Abdul Halim, 2001, "A Study on Islamic Banking Education and Strategyfor the Millinium Malaysian Experience", International Journal of Islamic Financial Service, Vol. 5, No. 2.
3. Fahim Khan, M, 2002, "Financial modernization in 21st century and challenge for islamic banking", International Journal of Islamic Financial Services. Vol. 1, No.3.

4. Haron, Sudin & Yamirudeng, KuMajdi, 2004, "Islamic banking in Thailand: Prospects and challenges", International Journal of Islamic Financial Services, Vol. 5, No.2 .
5. Karbhari, Yusuf & Naser, Kamal & Shahin, Zerrin, 2004, "Problems and Challenges Facing the Islamic Banking System in the West: The Case of the UK", Thunderbird International Business Review, Vol. 46 (5).
6. Sarker, Abdul Awwal, 2004, "Concept and ideology, Issues and problems of Islamic banking", International Journal of Islamic Financial Services. Vol.1. No. 3.
7. Sarker, Abdul Awwal, 2004, "Islamic banking in Bangladesh: Performance, problems& prospects", International Journal of Islamic Financial Services. Vol. 1 No.3.
8. Wright, J. W, 1995, "Islamic Banking In Practice: Problems In Jordan And Arabia", Washington College, CMEIS Occasional Papers, No. 48.